

اساس علمی

درمان با انرژی

تألیف :

جیمز اوشمن

ترجمه :

زهرا موفقی - محمد فارسی

۱۳۸۵

Oshman James L.

اوشمن، جیمز

اساس علمی درمان با انرژی / تألیف جیمز ال. اوشمن؛ ترجمه زهرا موفقی، محمد فارسی. -- مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۵.

۲۷۱ ص: مصور، -- (انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد؛ ۳۱۲: علوم پزشکی؛ ۵۱)

ISBN : 964-324-112-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Energy medicine: the scientific basis.

عنوان اصلی:

کتابنامه: ص. [۲۴۵] - ۲۶۸.

۱. نیروی حیاتی - مصارف درمانی. ۲. جسم و جان درمانی. ۳. پزشکی کلی نگر. الف. موفقی، زهرا، مترجم. ب. فارسی، محمد، مترجم. ج. جهاد دانشگاهی مشهد. د. عنوان. ه. عنوان: انرژی پزشکی.

۸ الف / ۹۹۹ RZ ۸۹ / ۶۱۵

۴۲۱۴۰ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد

مشهد، سه راه ادبیات، مجتمع دکتر علی شریعتی / ص. پ. ۱۳۷۶ - ۹۱۷۷۵

تلفن ۸۴۰۳۴۶۳، ۸۴۰۳۳۶۱۴ / E-mail: info@jdmpress.com.

اساس علمی درمان با انرژی

تألیف جیمز اوشمن / ترجمه زهرا موفقی، محمد فارسی

طرح جلد از ایمان متقی راد

حروفچینی کاوش / لیتوگرافی مشهد اسکنر / چاپ و صحافی چاپخانه دانشگاه فردوسی

چاپ اول ۱۳۸۵ / ۱۶۵۰ نسخه / شماره نشر ۳۱۲

ISBN 964-324-112-2

شابک ۹۶۴-۳۲۴-۱۱۲-۲

کلیه حقوق نشر برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

به نام خداوند جان و خرد

کتاب بزرگترین دستاورد فرهنگی بشر است. دانش بشری مدیون هزاران هزار کتابی است که در طول تاریخ با رنج و تلاش فراوان گرد آمده‌اند. کتاب تداوم معرفت علمی انسان است که سرانجام به تراکم دانش و بروز دگرگونی‌های تمدنی می‌انجامد.

جهاد دانشگاهی مشهد بر این باور است که نخستین گام در راه بهبود ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و توسعه کشور، دستیابی به تازه‌های دانش و نشر یافته‌های پژوهشگران است. کتاب حاضر سیصد و دوازدهمین اثری است که با همین رویکرد منتشر می‌شود. رهنمودهای خوانندگان فرهیخته می‌تواند ما را در ارتقای سطح کیفی و کمی این آثار یاری نماید.

انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد

فهرست

۹	مقدمه مترجمین
۱۲	پیشگفتار مؤلف
۱۵	مقدمه
۱۹	۱. زمینه‌های تاریخی
۱۹	حوزه‌های انرژی در طب
۲۲	یک مجادله روانی
۲۲	مکانیک‌گرایی در مقابل حیات‌گرایی
۲۸	الکتروتراپی در اوایل قرن بیستم
۲۹	گزارش فلکسندر
۲۹	قرن بیستم
۳۰	هارولد ساکستون بور
۳۲	استفاده از حوزه‌ها در تشخیص
۳۳	آشکارسازی زودهنگام سرطان
۳۴	تأیید تحقیقات بور بر روی سرطان
۳۶	نتیجه‌گیری
۳۸	۲. اندازه‌گیری حوزه‌های حیاتی
۳۸	الکتریسیته قلب
۳۹	مفناطیس ناشی از الکتریسیته
۳۹	مفناطیس قلب
۴۳	الکتریسیته و مفناطیس مغز
۴۳	حوزه‌های ضعیف در مقابل حوزه‌های قوی
۴۶	تأثیر تمرین بر امواج مغزی
۴۸	امواج بیومفناطیسی و حواس
۴۹	۳. مدار بودن بدن
۵۰	الکتریسیته در مقابل الکترونیک
۵۱	ساختمان سلول و ماتریکس زنده
۵۶	اطلاعات جریان می‌یابند
۵۸	پویایی ماتریکس: سیگنال‌سازی و تحرک سلولی
۵۹	بیوشیمی حالت جامد
۵۹	آرایش کریستالی در سلول‌ها و بافت‌ها: پیرو الکتریسیته
۶۲	خصوصیات ماتریکس زنده
۶۳	مدارها و مریدیان‌ها

۴.	ماتریکس زنده: پنج دیدگاه.....	۶۵
	آلبرت زنت جیورجی: هدایت الکتریکی.....	۶۵
	رابرت ا. پک: سیستم کنترل اطراف نرونی.....	۶۷
	هربرت فروملیک: ارتباط بیولوژیکی.....	۶۷
	دونالد اینگبر.....	۶۸
	کی. جی. هینتا و دی. اس. کافی.....	۷۲
۵.	طب سوزنی و درمان های مرتبط.....	۷۳
	جریان انرژی.....	۷۳
	سیستم سیگنال X ماناکا.....	۷۴
	ارتباط با طب سوزنی.....	۷۵
	فرضیه.....	۷۶
۶.	قطبیت درمانی، لمس درمانی، مغناطیس درمانی و روش های وابسته.....	۷۷
	استفاده های طبی از الکتریسیته و مغناطیس.....	۷۷
	مغناطیس و ترمیم بافت نرم.....	۷۹
	حوزه های منتشر شده توسط دست ها.....	۸۱
	تشعشعات مادون قرمز.....	۸۴
	چند نتیجه گیری.....	۸۶
۷.	پالس های آرام.....	۸۸
	مقدمه.....	۸۸
	دریچه فرکانس اختصاصی.....	۸۹
	مکانیسم ها.....	۹۲
	ریتم های بیولوژیک و التیام زخم.....	۹۴
	طرح اصلی.....	۹۵
	منابع سیگنال های ELF.....	۹۶
	همسویی.....	۹۹
	ضربان ساز مغز.....	۹۹
	همسویی ریتم های بیولوژیک: بحث برانگیزتر.....	۹۹
	حوزه های ژئومغناطیسی و ژئوالکتریکی.....	۱۰۰
	شواهد همسویی توسط حوزه های خارجی.....	۱۰۱
	مکانیسم همسویی.....	۱۰۶
۸.	همسویی درمانی.....	۱۰۷
	مقدمه.....	۱۰۷
	انرژی تیک ضربه ها.....	۱۱۰
	نظری میکرونتیک در بدن سازی و حرکت درمانی.....	۱۱۴
	لحظه میکرونتیک.....	۱۱۷
۹.	طب ارتعاشی.....	۱۱۹
	مقدمه.....	۱۱۹
	بیوفیزیک ارتعاشی.....	۱۲۰
	مولکول ها و انرژی.....	۱۲۲

۱۲۳	اسپکتروسکوپی
۱۲۶	تفاعلات ارتعاشی بین مولکول‌ها
۱۲۷	کریستال‌های زنده
۱۲۷	پیوستگی
۱۲۹	نوسانات سلولی و تنظیمات سیستمیک
۱۳۳	۱۰. هومئوپاتی و درمان‌های ارتعاشی وابسته
۱۳۳	منطق طب ارتعاشی
۱۳۵	طبیعت‌شناسی پزشکی و «سیستم آب»
۱۳۷	مطالعات واکنش‌های آلرژیک
۱۴۰	چند نتیجه‌گیری
۱۴۱	۱۱. جاذبه، ساختار، عواطف
۱۴۱	مقدمه
۱۴۱	فیزیولوژی جاذبه‌ای
۱۴۵	یک سیستم جاذبه
۱۴۶	تنسگریتی
۱۵۰	تنسگریتی در مقیاس سلولی
۱۵۰	شکل‌پذیری
۱۵۳	جاذبه و ساختار فیزیکی و روانی
۱۵۵	۱۲. یکپارچگی ساختاری (رولفینگ)، استئوپاتی، کایروپراکتیس، فلدنکرایس، آکساندر، رهایی میوفاسیال و سایر روش‌های مرتبط
۱۵۵	مقدمه
۱۵۷	تعادل مفاصل
۱۵۸	شکل‌پذیری و جریان‌های انرژی
۱۶۲	آزاد شدن سموم
۱۶۲	مکانیسم‌ها
۱۶۳	چند نتیجه‌گیری
۱۶۳	۱۳. محیط الکترومغناطیسی
۱۶۳	مقدمه
۱۶۳	مقایله زیست‌شناسی و فیزیک
۱۶۵	رفع تعارض
۱۶۶	کاربردهای بالینی
۱۶۷	مکانیسم‌ها
۱۶۸	حسگرهای زنده
۱۷۱	طیف انرژی الکترومغناطیسی طبیعی
۱۷۵	اسفریکس‌های VLF
۱۷۶	طیف انرژی تکنولوژی
۱۷۸	نتیجه‌گیری
۱۷۹	۱۴. محیط الکترومغناطیسی: تأثیرات زیستی
۱۷۹	مقدمه

۱۸۱	حساسیت آب و هوایی
۱۸۱	انرژی‌ها
۱۸۲	تنظیم‌های «توب» بیلپارد مانند در مقابل سیگنال‌های الکترومغناطیسی
۱۸۴	ارثیه بیوشیمی لوکرتیان
۱۸۵	پاتولوژی حاد
۱۸۷	آلودگی الکترومغناطیسی و سایر بیماری‌ها
۱۸۹	امواج اسکالر
۱۹۲	امواج اسکالر و بدن‌کاری
۱۹۳	کاربردهایی برای بدن‌کاری‌های ساختاری
۱۹۴	اجتناب محتاطانه
۱۹۷	چند نتیجه‌گیری

۱۹۹	نتیجه‌گیری: آیا طب انرژی طب آینده است؟
۱۹۹	نارس بودن
۲۰۱	تشعشعات دست‌درمانگران
۲۰۳	تشدید
۲۰۵	سیستم عصبی دوگانه
۲۰۶	سیستم کنترل جریان مستقیم
۲۰۸	پالس‌های انرژی، مقدم بر اعمال هستند: معنایی برای تصورات ذهنی و نیت
۲۱۰	اثر هال و تنظیم‌های بیومغناطیسی
۲۱۱	دوگانگی سیستم‌های گردش خون، اسکلتی، عضلانی و سایر سیستم‌ها
۲۱۳	وظایف سیستم‌های محاطی در بازسازی و ترمیم
۲۱۳	باززایی
۲۱۴	درهم تنیدگی کلی در سیستم فیزیکی
۲۱۶	بیوفیزیک
۲۱۸	ارتباط رزونانس‌ها با حالت‌های احساسی
۲۱۹	بیوفیزیک پیوستگی داخلی

۲۲۳	انرژی می‌چرخد
۲۲۳	نمایش جریان انرژی در گروه
۲۲۷	سرانجام: بروز شفافیت و توافق از میان مجادله و سردرگمی
۲۳۱	پیوست I منابع گاوس، سنج‌ها و سایر آشکارسازهای حوزه‌های الکترومغناطیسی
۲۳۲	پیوست II کتب و مقالات راجع به تأثیرات آلودگی الکترومغناطیسی بر سلامتی
۲۳۵	منابع
۲۳۹	واژه‌نامه

مقدمه مترجمین

چشم دل باز کن که جان بینی
دل هر ذره را که بشکافی
جان گدازی اگر به آتش عشق
از مضیق حیات درگذری
آنچه نشنیده گوش آن شنوی
تا به جایی رساندت که یکی
با یکی عشق ورز از دل و جان
که یکی هست و هیچ نیست جز او
وحده لا اله الا هو

«هاتف اصفهانی»

اگر به زمان گاليله برگردیم چه بسا هنوز کسانی به شدت با افکار وی مخالفت می نمایند و او را وادار می کنند که از گفته خود توبه کند. اگر به ۱۴۰ سال قبل برگردیم، هنوز گریگور مندل (پدر علم ژنتیک) را به تمسخر می گیریم، دانشمندی که ثابت کرد صفات توسط عواملی با ماهیت فیزیکی، از والدین به ارث می رسند. سی و پنج سال گذشت تا دانشمندان به ارزش کار وی پی ببرند. اگر به ۵۰ سال پیش برگردیم، هنوز معتقدیم که ماده ژنتیکی پروتئین است نه اسید نوکلئیک، چون صفات متنوعند و پروتئین ها نسبت به اسیدهای نوکلئیک تنوع بیشتری ایجاد می کنند! تا به حال به دفعات تاریخ به ما آموخته است که آنچه را بدان معرفت و شناخت نداریم، انکار نکنیم. کمی تعمق کنیم، شاید نظریاتی که امروز برای ما بغرنج به نظر می رسند، پایه های انکارناپذیر علوم فردا باشند.

علم با تجربه آغاز و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. پدران ما آنچه را تجربه می کردند به فرزندان خود می آموختند و آنچه ما امروزه وارث آن هستیم، نتیجه تلاش بی وقفه آنان می باشد. اجداد ما بدون اینکه از علم وراثت آگاهی داشته باشند، بسیاری از گیاهان دارویی را در طی نسل های متوالی گزینش و اهلی کرده اند. بسیاری از این گیاهان که امروزه به صورت مستقیم مورد استفاده علم پزشکی قرار می گیرند و یا مواد مؤثره آنها به صورت مصنوعی سنتز می شوند، توسط اجدادمان شناسایی و نسل به نسل به ما منتقل

شده‌اند. حکما با روش‌های سنتی و مؤثر، چنه‌سا بدون آگاهی از مکانیزم‌های کارهایی که انجام می‌دادند، بسیاری از بیماری‌ها را درمان می‌کردند. آنها براساس تجربه در طی نسل‌های متمادی به مؤثر بودن بعضی از روش‌ها و عصاره بعضی از گیاهان در درمان بیماری‌ها پی برده بودند. به عنوان یک مثال آشنا، مندل قوانین وراثت را با تجربه کشف کرد، در حالیکه از ماده ژنتیکی و کروموزوم‌ها هیچ اطلاعی نداشت. بنابراین، ما نه تنها نبایستی تجربه‌های اجدادمان را به تمسخر بگیریم و به دست فراموشی بسپاریم، بلکه بایستی با ابزار و وسایل پیشرفته‌ای که امروزه در اختیار داریم به کنکاش در یافته‌های آنها پرداخته و پایه‌های علمی اعتقادات آنها را در صورت وجود کشف نماییم.

شواهد تاریخی استفاده از انرژی حیاتی در درمان بیماری‌ها به بیش از پنج هزار سال پیش می‌رسد. در باورهای باستانی هند از نوعی انرژی کیهانی به نام پرانا و در فرهنگ سنتی چین از نوعی انرژی حیاتی به نام کای سخن به میان آمده است. این باور در اعتقادات مذهبی نیز ریشه دارد. در مکتب عرفانی یهودیت از این نیروها به عنوان نور اثری یاد شده است و در تابلوهای مشهور مسیحی و اسلامی، سیمای حضرت عیسی (ع)، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) و ائمه (ع) در هاله‌ای از نور ترسیم شده است. اعتقاد به وجود حوزه‌ای از انرژی در اطراف بدن انسان و همچنین وجود انرژی حیاتی شعورمند در بدن، اساس بسیاری از درمان‌های طب مکمل و جایگزین از قبیل طب سوزنی، انرژی درمانی و غیره می‌باشد.

آزمایشات دقیق با کمک یک مغناطیس سنج نشان داده است که وقتی درمانگر انرژی درمانی با آرامش در حالت تمرکز یا شفابخشی قرار می‌گیرد، امواج بیومغناطیسی شدیدی از دستان وی متصاعد می‌شود. این امواج می‌تواند بر حوزه بیوانرژی بیمار که مختل شده است، تأثیر گذاشته و در بهبود آن مؤثر واقع شود. براساس طب انرژی، بیماری یعنی اختلال در حوزه انرژی فرد، و سلامتی کامل زمانی حاصل می‌شود که حوزه انرژی فرد، با حوزه‌های طبیعی همسو بشود. بعضی از افراد با توانایی‌های خاص می‌توانند حوزه انرژی مختل شده فرد بیمار را به حالت طبیعی و در نتیجه سلامتی را به وی برگردانند. ممکن است این افراد از فلسفه کاری که انجام می‌دهند آگاه نباشند و اساس علمی آنرا ندانند. با این وجود، انرژی درمانی اساس علمی دارد و در صورتیکه افراد انرژی درمان با اساس علمی روش‌های مورد استفاده آشنا شوند، موفقیت بیشتری در درمان بیماری‌ها کسب خواهند نمود. امروزه در بسیاری از دانشگاه‌های غربی اساس علمی روش‌های مختلف انرژی درمانی تدریس می‌شود و پرستاران از این روش‌ها به عنوان روش‌های مکمل برای درمان بیماران استفاده می‌نمایند.

این کتاب اساس علمی انرژی درمانی را توضیح می‌دهد. تمامی مطالب کتاب از منابع معتبر علمی اقتباس و در متن به یکایک آنها اشاره شده است. در مورد اهمیت علمی این کتاب خوانندگان محترم را به مقدمه مؤلف ارجاع می‌دهیم که به صورت کامل انگیزه و هدف خود را از تألیف این کتاب ذکر نموده‌اند. هدف از ترجمه این کتاب آشناساختن محققین علوم پزشکی و دست‌اندرکاران امر سلامت و درمان از جمله پزشکان، و پرستاران و ماماها، با اساس علمی طب انرژی، به عنوان طب مکمل، می‌باشد. با کمک گرفتن از

طب انرژی به طریقه علمی و صحیح، نتیجه بهتری در درمان بیماران حاصل خواهد شد. مطالعه این کتاب همچنین می تواند خوانندگان را از خطرات احتمالی انواع امواجی که توسط وسایل الکتریکی و الکترونیکی پیرامون ما ساطع می شوند، آگاه سازد. بعضی از حساسیت ها در انسان ها ممکن است به علت قرار گرفتن در معرض چنین امواجی باشد.

با وجودیکه تلاش زیادی کردیم تا با حفظ امانتداری ترجمه صحیح و روانی ارائه دهیم، هرگز ادعا نمی کنیم که ترجمه حاضر بدون نقص است. از خواهر عزیزم ویدا که مرا در ترجمه ی کتاب یاری نمود تشکر می کنم. از استاد محترم جناب آقای مرتضی حسن پور به جهت ارائه نظرات و پیشنهادات راهگشا تشکر و تقدیر می نمایم. از شما مددجوی عزیز، دانشجوی گرامی و همکار محترم نقاضا داریم نقایص احتمالی در ترجمه کتاب و پیشنهادات خود را به آدرس ناشر یا ما در میان بگذارید تا در چاپهای بعدی مورد استفاده قرار گیرند.

زهرا موفقی - محمد فارسی

پیشگفتار مؤلف

این کتاب راجع به موضوعی است که دانشمندان همواره آنرا بسیار نامفهوم و بحث برانگیز می‌دانستند. برای قرن‌ها، مفاهیم نیروی حیات و انرژی شفابخش، خارج از حیطه‌ای بود که دانشمندان سرشناس و جدی، آنها را مد نظر قرار دهند. برای سال‌های متمادی، رویکردهای درمانی که از انرژی شفابخش استفاده می‌کردند، مورد انتقاد شدید قرار می‌گرفته‌اند. میراث چنین تاریخچه‌ای این است که هنوز افراد بسیار زیادی وجود دارند که کتاب‌هایی از این نوع راحتی باز هم نخواهند کرد.

با این توصیف، به چه دلیل یک دانشمند متفکر و جدی باید به خود جرأت دهد که وارد چنین حیطه‌ای بشود. افراد علاقمند به خواندن این کتاب خواهند دید که دلایل فوق‌العاده خوبی برای پذیرفتن این کار وجود دارد. بگذارید راحت بگویم، اکنون زمان خیلی نسبت به قبل تغییر کرده‌است. هم دانشمندان و هم انرژی‌درمانگران سراسر دنیا اکتشافاتی داشته‌اند که برای همیشه تصور ما را از انرژی‌های انسانی تغییر داده است. به‌طور انفرادی بیشتر این اکتشافات به‌عنوان یک پیشرفت و یا کار زیرینایی مهم در نظر گرفته نشده‌اند، اما اکنون به‌نظر می‌رسد که این مفاهیم، تجربیات و نتایج آزمایشگاهی به‌ظاهر پراکنده، به یکدیگر مرتبط هستند. شاخه امیدوارکننده جدیدی از تحقیقات علمی و بالینی در حال شکوفایی است. رویکردهایی که متناقض و یارقیب یکدیگر به‌نظر می‌رسیدند، در واقع از یکدیگر حمایت می‌کنند.

این کتاب حاصل دعوت دکتر لئون چیتو و تیم ویراستاری وی در "مجله بدن‌گازی و حرکت‌درمانی" است، که توسط چرچیل لیونگستون چاپ شده‌است. از من خواسته شد که واژه "انرژی" را توضیح دهم و از آن ابهام‌زدایی نمایم، زیرا از این واژه هم در علم، هم در شاخه‌های مختلف بدن‌کاری و حرکت‌درمانی، و هم در مراقبت از سلامتی استفاده می‌شود (برای مثال تصاویر رزونانس مغناطیسی (MRI)). آیا انرژی مفهومی بود که بتواند با عبارت قابل قبول دانشمندان و فکر معقول انتقادگرا توضیح داده شود؟

من تاکنون ۱۵ سال است که در این‌باره تحقیق کرده‌ام: دعوت دکتر چیتو فرصتی به‌من داد که با یکدیگر قطعات خیلی بیشتری از یک معمای حیرت‌انگیز را جمع‌آوری کنیم.

در فرایند نوشتن مقالات ژورنالی من متوجه نقاط مشترک بین اکتشافات محققین پزشکی مدرن و مشاهدات روزمره انرژی درمانگرانی شدم که باشیوه "دست‌گذاشتن" کار می‌کنند. در حقیقت، این رویکردهای بسیار متفاوت سنتی، به تدریج به یکدیگر اعتبار می‌بخشند.

برای پرداختن به موضوعی معین، و در تایید مطالب فصل ۶، حوزه‌های مغناطیسی نوساندار، برای درمان آسیب‌های استخوان، عصب، پوست، عروق، در مراکز پزشکی مختلف بررسی می‌شوند. در حقیقت

حوزه‌های انرژی مشابه نیز می‌توانند در اطراف دست درمانگرانی که به شکل مناسب آموزش دیده‌اند، آشکار شوند. یک نتیجه‌گیری غیرقابل انکار از این مطالعات به دست آمده است:

تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که وسایل مولد فرکانس‌های ویژه‌ای از حوزه‌های مغناطیسی نوساندار، می‌توانند التیام بافت‌های مختلف را تحریک کنند. درمانگرانی از دانشکده‌های مختلف انرژی درمانی می‌توانند از دست‌هایشان حوزه‌هایی با شدت و فرکانس‌های مشابه ساطع نمایند. تحقیقات نشان می‌دهد که این روش‌های مختلف مؤثر هستند و متقابلاً به یکدیگر اعتبار می‌بخشند. محققین پزشکی و درمانگرانی که با "دست گذاشتن" کار می‌کنند، یکدیگر را تأیید می‌نمایند. فصل مشترک همه اینها، حوزه‌های مغناطیسی نوساندار است که وقتی از دستان درمانگر ساطع می‌شود، حوزه‌های بیومغناطیسی نامیده می‌شود.

به علاوه دکتر چیتو از من خواست که توصیف کنم چگونه این مفاهیم رو به تکامل می‌توانند بر تمرینات بالینی ویژه تأثیر بگذارند. اضافه کردن جنبه‌های بالینی، موجب گردید که این مقالات به طور فوق‌العاده‌ای مورد توجه قرار گیرند. درک تحقیقات طب انرژی رایج، درمانگران و دانشجویان کلیه روش‌های درمانی را قادر می‌سازد که زمینه مشترکی برای بحث داشته باشند. درمان‌های مکمل یکدیگر را تکمیل می‌کنند. پدیده‌هایی که قبلاً مجزا به نظر می‌رسیدند، می‌توانند یکدیگر را تکمیل نمایند و باعث شوند که بدن زنده نسبت به وقتی که هر یک از رویکردها به تنهایی مد نظر قرار گیرند، بهتر درک شود. من از دکتر چیتو برای داشتن بینش به جریان انداختن این فرایند باارزش، تشکر می‌کنم.

این کتاب به من فرصت می‌دهد تا بسیاری از جزئیات، که به علت محدودیت فضا در مقالات مجلات جای نمی‌گرفت، را اضافه نمایم. این کتاب مرا قادر ساخت با اضافه کردن اکتشافات اخیر از زمان نوشتن مقالات، مطالب را به روز نمایم. در این کتاب عناوین مهمی مانند "ظهور اطلاعات در مورد فیزیک بنیادی انرژی و نقش انرژی در هوشیاری" که فقط در مقالات ژورنالی ذکر شده بود، را باز کردم. سرانجام اضافه کردن انبوهی از اطلاعات تکنیکی و نقل و قول‌هایی که برای ژورنال مناسب نبود، ممکن گردید. این کتاب مورد توجه خاص دانشمندان متخصصی قرار خواهد گرفت که به مطالب ارائه شده در اینجا به دید منتقدانه می‌نگرند. برخی از این اطلاعات تکنیکی هستند و خوانندگان غیرتکنیکی در صورت تمایل می‌توانند از آنها صرف نظر نمایند.

برای تکنیک‌های مختلف انرژی درمانی و تحقیقات وسیع و رو به پیشرفتی که ادعای تأثیر بالینی آنها را اثبات می‌کند، منابع گذری آورده شده است. خوانندگان علاقمند به این عناوین می‌توانند با دانشکده‌های مناسبی که تکنیک‌های بالینی را آموزش می‌دهند، تماس بگیرند و به متون بالینی مربوطه مراجعه نمایند. جستجوی من تلاشی است برای استفاده از آخرین تحقیقات علمی به منظور پاسخگویی به این سؤال که "اگر انرژی درمانی مؤثر است، تأثیر خود را چگونه اعمال می‌کند؟". درک مکانیسم‌ها واقعاً مهم است زیرا اگر توضیح منطقی از شیوه تأثیر یک روش وجود داشته باشد، کارآزمایی‌های بالینی موفق بسیار بیشتر تأثیرگذار خواهند بود. به علاوه، درمانگران از دانستن مکانیسم‌ها بسیار سود می‌برند، زیرا به آنها کمک

می‌کند که کار خود را توضیح داده و ارتقا بخشند.

من درمان‌هایی را از درمانگران بسیاری از تکنیک‌هایی که توصیف شدند، دریافت کرده‌ام، و معتقدم که این تجربیات به من کمک کرد تا از خود و سیستم انرژی خود آگاه‌تر شوم. با این وجود، من طرفدار هیچ روشی در مقابل روشی دیگر نیستم. من در انواع دانشکده‌های بدن‌کاری و حرکت‌درمانی‌های متعدد در سراسر دنیا سخنرانی کرده‌ام، اما عضو هیئت علمی هیچیک از آن دانشکده‌ها نیستم. در این جا هدف درک مکانیسم‌های دخیل و ارتباط دادن این پدیده‌ها با علم پزشکی است، نه ترویج یک روش خاص. اگر ما بتوانیم بیاموزیم که از زبان مشترکی استفاده کنیم، چیزهای بسیاری از یکدیگر خواهیم آموخت.

من از تمام درمانگرانی که با من بحث کردند تا بینش و مشاهداتشان را توضیح دهند، تشکر می‌کنم. پتر ملچپور با بیان جزئیاتی از تحقیقات علمی مهم - مانند مطالب مربوط به دکتر هارولد ساکستون بور - که من هرگز در طی دوران آموزش آکادمیک خود با آنها مواجه نشده بودم، مرا راهی این سفر کرد. دکتر چیتو و کارمندان چرچیل لیوینگستون در تهیه سری‌هایی برای "ژورنال بدن‌کاری و حرکت‌درمانی" کار قابل تقدیری انجام دادند و گرام چمبرز این کار هنری را به نحو احسن و مؤثر به اتمام رساند. من به ویژه از ویراستاران تولید، لین پرسی و ایوان هالی و ویراستار این نسخه، سالی لیویت، برای کار دقیقشان در آماده کردن دست‌نوشته‌ها برای چاپ در ژورنال تشکر می‌کنم. من مدیون بسیاری از دانشمندان و درمانگرانی هستم که مرا از اکتشافات مهم آگاه کردند، به‌طوری‌که می‌توانم آنان را در تألیف این کتاب سهم بدانم. و من به ویژه از نقش همسر عزیزم، نورا، قدردانی می‌کنم، کسی که بیش‌تر از آنچه که من هرگز خواهم دانست، در مورد انرژی می‌داند. وی در باره هر بعدی از این کتاب با من بحث کرد و به من فراغت بال و انگیزه لازم را برای سیر عمیق به ظریف‌ترین زوایای انرژی و ساختار زنده، فراهم نمود.

مقدمه

این کتاب دو داستان روایت می‌کند. یکی از آنها داستان ظهور شاخه‌ای جدید و بسیار هیجان‌انگیز از پزشکی آکادمیک است. در پس این علم در حال ظهور، حکایت سحرآمیزی وجود دارد که چرا همه این ماجرا در گذشته اینقدر نامفهوم و جدال برانگیز بوده است؟ در ضمن آن‌که این رویکردها برای بسیاری از مردم مفید به نظر می‌رسند، حکایت دوم مسئول تداوم تناقض و انتقاد گسترده آکادمیک و کوتاه نظری در مورد رویکردهای درمانی مبتنی بر مفاهیم انرژی می‌باشد.

بسیاری از درمانگرانی که هر روزه به‌طور موفقیت‌آمیزی با سیستم‌های انرژی انسان کار می‌کنند، از طرف آن علمی که مبانی منطقی پزشکی رایج را فراهم می‌کند، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. برخی از مهمترین و جالب‌ترین تجربیات آنها و مددجویانشان، به نظر می‌رسد که مورد کم‌لطفی تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های علمی رایج قرار می‌گیرند. یک نگاه دقیق به طب انرژی این سردرگمی و مجادله غیر ضروری را مرتفع می‌سازد.

در طی چند دهه گذشته، دانشمندان، بیش از اندازه کافی، بین حوزه‌های انرژی زیستی و دانش علمی پذیرفته شده رایج، ارتباطات منطقی و قابل اندازه‌گیری یافته‌اند. روش‌هایی برای اندازه‌گیری حوزه‌های انرژی ظریف، اما مهم در درون و اطراف بدن ابداع شده‌اند. تا چند دهه قبل، از نظر پزشکی آکادمیک این حوزه‌ها انکار می‌شدند. امروزه ما نه تنها وجود این حوزه‌ها را اثبات می‌کنیم، بلکه محققین می‌بینند که این حوزه‌ها چگونه تولید می‌شوند و چگونه با بیماری و اختلال تغییر می‌نمایند. ما همچنین آن مکانیسم‌های بیوفیزیکی را که درمانگران را قادر می‌سازد تا حوزه‌های انرژی را برای معالجه بیمار حس و دست‌ورزی کنند، متوجه می‌شویم.

در حقیقت یک خلاء بزرگ در زیست‌شناسی در حال پُر شدن است. اکتشافات جدید در حیطه یک رشته بخصوص و یک شیوه خاص در حال ابداع نیستند، بلکه مشاهدات اساسی در حیطه‌های مختلف و گسترده در حال انجام است. بالاخره، بخواهیم و نخواهیم، هر گونه رویکردی به بدن نوعی از انرژی را به کار می‌گیرد. برخورد روشنفکرانه با روش‌های انرژی می‌تواند باعث پیشرفت در درمان بیماری‌ها و اختلالات خطرناکی شود که به درمان‌های مبتنی بر مفاهیمی که به انرژی اعتقادی ندارند، جواب نمی‌دهند. ما اکنون می‌دانیم که موجود زنده طوری خلق شده است که به انواع متفاوتی از نیروها سازگاری پیدا کرده و از آنها استفاده می‌کند. فقط یک "تیروی حیاتی" یا "انرژی شفا دهنده" وجود ندارد. بلکه سیستم‌های زیادی در بدن وجود دارند که انواع مختلف انرژی و اطلاعات را از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کنند.

روش‌های مختلف انرژی درمانی بر جنبه‌های مختلفی از این تعدد منابع تمرکز می‌کنند و هر یک از این روش‌های درمانی مجموعه بالارزشی از سرنخ‌ها و فرضیه‌های قابل آزمون را در مورد نحوه کارکرد سیستم انرژی ارائه می‌نمایند. سیستم‌های فیزیولوژیکی و آناتومیک بدن و سیستم‌های انرژی با هم به صورت تنگاتنگی مرتبط هستند. کار درمانی مؤثر بر یک سیستم، ناگزیر بر کل سیستم تأثیر می‌گذارد.

بنابراین درمان با انرژی یک عنوان چندین بعدی است. درک جریان انرژی از میان بدن در هر حیطه‌ای از زیست‌شناسی، از زیست‌شناسی ژئوفیزیکی گرفته تا تعاملات داخل ارگانیسمی (سطح اکولوژیکی)، تا فیزیولوژی و رفتار، اندام‌ها، بافت‌ها، سلول‌ها، مولکول‌ها، اتم‌ها و ذرات کوچکتر از اتم، برای ما یک درس آموزنده است. طب انرژی موضوعی بسیار جالب برای تحقیق می‌باشد. انرژی نه تنها در مورد ظریفترین قسمت‌های بدن زنده به ما درس می‌دهد، بلکه تعاملات انرژیست که مسئول خواص مهمی است که از ارتباطات بین اجزا حاصل می‌شود. یکی از این خصوصیات را ما تمامیت می‌نامیم، انسجامی که اجزا را قادر می‌سازد به صورت یک واحد موفق با یکدیگر کار کنند.

این کتاب یک "عکس فوری" از صحنه‌ای است که به سرعت به کانون توجه تبدیل می‌شود. تقریباً هرروزه اکتشافات بنیادی زیادی گزارش می‌شوند. در این فرایند از مشاهدات و تجربیاتی که قبلاً قابل توجه نبودند، رفع ابهام می‌شود. بنابراین، در این زمینه آنقدر اطلاعات در حال ظهور است که برای یک نفر بسیار دشوار است که همه آنها را ردیابی کند. در نتیجه، فقط به خاطر همین واقعیت است که بسیاری از اکتشافات مهم در این صفحات موجود نیست.

اکتشافات راجع به طب انرژی به تدریج مورد توجه محققین و درمانگران طب رایج قرار می‌گیرد. همچنانکه دانش ما از زیست‌شناسی انرژی تهذیب و غبارزدایی می‌شود، کشف و دستورزی سیستم‌های انرژی زنده، و توضیح اتفاقاتی که برای بیمار کنجکاو، علاقمند و غالباً خوشحال رخ می‌دهد، ساده‌تر می‌گردد. یک محرک مهم در این رابطه، تشخیص این نکته توسط متخصصان بهداشت و درمان و عموم مردم است که طب مکمل و انرژی درمانگران آمده‌اند که باقی بمانند، و اینکه این روش‌ها اغلب به بیمارانی کمک می‌کنند که با روش‌های رسمی‌تر بهبود نیافته‌اند.

در زمانی که این کتاب در دست تهیه بود، درمانگران زیادی توصیف‌های جالبی را از روش‌هایی که کار آنها با بیمارستان و کلینیک ترکیب شده بود، چاپ نمودند. در بین آنها کار جولی موتز (۱۹۹۸) و همکار پزشک ایشان مهمت اوز (۱۹۹۸) می‌باشد. بقیه محققان ناگزیر کتاب‌هایی در مورد تجربیات شخصی خود در مورد شفا با انرژی نوشته‌اند (مانند کالینگ، ۱۹۹۸؛ الیگو، ۱۹۹۷؛ برنن، ۱۹۸۷). من این منابع را ذکر کردم به خاطر اینکه معتقدم تجربیاتی که آنها توصیف می‌کنند، به طور خارق‌العاده‌ای، آنچنانکه بعضی مواقع ممکن است به نظر برسند، اساس را برای تحقیقات پزشکی آینده در مورد زیست‌شناسی انرژی، پایه‌گذاری می‌کنند. "یک دانشمند می‌داند که در تاریخ عقاید، اعجاب همواره جلوتر از علم است، بدین معنی که بصیرت از پدیده‌ها، دانش عینی آنها را به جلو می‌اندازد" (گاگولین، ۱۹۷۴).

طب انرژی‌تیک به سمت و سوی بسیار واضحی اشاره می‌کند. اکثر ما یک دعا و دارویی که ما را قادر سازد بر ناخوشی‌های روانی یا جراحی‌ها، به صورت آنی و یا خیلی سریع فائق آییم، ترجیح می‌دهیم. پدیده "تسکین خودبخودی" یک علامت دراماتیک از پتانسیل درونی ما برای بهبودی از ویران‌کننده‌ترین بیماری‌ها است. تجربه بالینی نشان داده است که حتی برای قوی‌ترین سرطان‌ها و یا بدترین جراحی‌ها، بهبودی سریع و خودبخودی می‌تواند رخ بدهد. این واقعیت نشان می‌دهد که، تحت شرایط مناسب، فرایند بهبود و مقابله با بیماری در بدن می‌تواند بسیار قدرتمند باشد.

شفای خودبخودی نادر و غیر قابل پیش‌بینی است، اما مثال‌های بسیار مستند و کافی از افرادی که به طور دائم از حالت غیر قابل درمان و روبه موت بهبود یافته‌اند، وجود دارد تا انگیزه انجام تحقیقات برای پی‌بردن به چگونگی رخداد آن باشد. برخی از محققین پزشکی تلاش می‌کنند تا بهبودی خودبخودی را "در زمان لازم" با تحریک سیستم دفاعی خود بدن بر علیه سرطان، القا کنند. در حالیکه پاسخ‌ها بسیار اندک است، با این وجود به نظر می‌رسد که "تمام مدارها و ماشین‌آلات مورد نیاز برای چنین فرایندی در بدن موجود است، فقط مشکل این است که کشف کنیم چگونه سویچ صحیح را جهت فعال کردن این فرایند، روشن کنیم" (ویل، ۱۹۹۵). من خود شخصاً موارد زیادی از "روشن کردن سویچ صحیح" یا "شروع آنی فرایند شفا" را از درمانگران بسیاری، هم از طب رایج و هم از طب مکمل دیده‌ام، تا برایم مسجل شود که درک شفای "خودبخودی" آنقدر که ما فکر می‌کنیم، دور از واقعیت نیست. تحقیقات مدرن و تکمیل شده توسط انرژی درمانگران، به ما نشان می‌دهد که در کجا به دنبال چنین "مدارها" و "سویچ‌هایی" بگردیم.

کار برای رهایی از ضربه‌های روانی و ضربه‌های ناشی از سوء استفاده، به اندازه شفای "خودبخودی" هیجان‌انگیز است. افرادی که از چنین آزارهایی رنج می‌برند، می‌توانند درست به اندازه افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن یا جراحی‌های فیزیکی، ناتوان شده باشند. رهاسازی زندگی یک انسان از رنج روانی می‌تواند بسیار با ارزش باشد (مراجعه به فصل ۸ و ۱۱).

سردرگمی و خصومتی که درمان‌های مبتنی بر انرژی را احاطه کرده است، به طور چشمگیری منبعث از بهرانه‌های طبی جاری و جدایی بین درمان‌هایی است که به اصطلاح طب مرسوم و طب مکمل نامیده می‌شوند. در گذشته جالب‌ترین داستان‌های مربوط به موفقیت درمانگران طب مکمل (از قبیل شفا در عقاید مذهبی)، اغلب به این دلیل که توضیح منطقی برای آن وجود نداشت، رد می‌شدند. درمانگران خودشان اغلب برای ابهام‌زدایی کار چندانی نمی‌توانستند انجام دهند. با اضافه کردن علم اخیر به این تصویر، ما حلقه‌های مفقوده را در تصویر خود از بدن انسان در سلامتی و بیماری، پیدا می‌کنیم.